

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »
۱۳ فیبروری ۲۰۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه شرعی

وصیت کلمه عربی است که در لغت به معنای اندرز کردن و سفارش نمودن آمده است . همچنین وصی به معنای :
اندرز دهنده، وصیت کننده، سفارش کننده و ... آمده است.

وصیت در اصطلاح فقه ؛ به کسی اطلاق می شود که موافق سفارش و وصیت پس از مرگ وصیت کننده، وی مطابق به محتوای وصیت در امور و اموال وی دخالت و تصرف کند. فرهنگ معین، چاپ چهارم، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۱ ش. اصطلاح «وصی» را تقریباً به همین مفهوم آورده است.
به عبارت دیگر :

وصی به کسی می گویند که بعد از مرگ وصیت کننده، طبق وصیتنامه، حق دخل و تصرف در امور و اموال میت را دارد.

وصیت در قرآن کریم :

پروردگار با عظمت ما در سوره بقره آیت ۱۸۰ می فرماید : « کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین » (بر شما مقرر گردیده شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ اگر چیز خوبی از خود به جای گذارده، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته بکند . این حق است برای پرهیزکاران) .

وصیت کردن در قوانین اسلامی، هر چند عمل مستحبی است ، اما مستحب بسیار مؤکد است از آن با جمله « کتب علیکم » تعبیر شده و ذیل آیت آن را تفسیر می کند. زیرا می فرماید: «حقاً علی المتقین» اگر این حکم وجوبی بود؛ باید گفته می شد: « حقاً علی المؤمنین ».

در آیت فوق به جای کلمه « مال » از کلمه « خیر » استفاده شده که نشان می دهد ثروت انسان از طریق مشروع به دست آید و اموال نا مشروعی که انسان از خود به یادگار می گذارد؛ خیر نیست بلکه شر است.

در روایات اسلامی تأکیدهای فراوانی در زمینه وصیت شده، از جمله در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم آمده است : « ما ینبغی لامرء مسلم ان یبیت لیلۃ الا و وصیته تحت رأسه » سزاوار نیست مسلمان شب بخوابد مگر این که وصیت نامه اش زیر سر او باشد (منظور آماده بودن وصیت است). « من مات بغير وصیه مات میتة جاهلیة؛ کسی که بدون وصیت از دنیا برود، مرگ او مرگ جاهلیت است .

پیامبر اسلام سفارش اکید به وصیت دارند، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: شایسته است مسلمان وصیت کند و وصیت نامه او هر شب زیر سرش باشد و شبی را بدون آن نگذراند: «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَوْصِيَ. مَا يَنْبَغِي لَامْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَصِيَّتَهُ تَحْتَ رَأْسِهِ»
آنحضرت بر این معنا پای فشرده و چنین می فرمود: کسی که بدون وصیت بمیرد به نوع مرگ جاهلیت مرده است: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» .

وظیفه شرعی مؤمن در حال احتضار:

قبل از همه باید گفت: سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم این بود زمانی که به عیادت شخصی مریض می رفت ، در جنب این که وصایای گرانبھائی جهت آماده ساختن شخص مریض به سفر آخرت همراه مریض به عمل می آورد . و آنان را به نوشتن وصیت نامه و همچنین توبه امر می نمود .

مکلفیت های شرعی مریض :

۱- شخص مریض و یا شخصیکه سفر در پیشرو دارد و یا به اصطلاح در احتضار قرار داشته باشد ، باید به قضا و قدر الهی خشنود باشد و در برابر تقدیر الهی، صبر را پیشه خود ساخته و گمان خویش را نسبت به پروردگارش نیکو گرداند، که چنین وضعیتی به نفع او خواهد بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ» . (مسلم، بیهقی و احمد .)

(شأن مؤمن شگفت انگیز است، زیرا تمام امورش به خیر او تمام می شود و این وضعیت را به جز مؤمن، کسی دیگر ندارد. مؤمن هنگام شادی، خدا را سپاس می گوید، و این به نفع اوست. و هنگام مصیبت، صبر را پیشه می کند باز هم به خیر اوست.

در حدیثی دیگر می فرماید:

« لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ » (مسلم، بیهقی و احمد.) (هیچ کس از شما نمیرد، مگر این که گمانش نسبت به پروردگارش نیکو باشد.)

۲- انسان مؤمن در هنگام مرض موت، باید میان بیم و امید باشد، در برابر گناھانی که انجام داده از الله بترسد و در عین حال، به رحمت پروردگار، امیدوار باشد.

در حدیثی از حضرت انس روایت است: «أَنَّ النَّبِيَّ دَخَلَ عَلَى شَابٍّ وَهُوَ فِي الْمَوْتِ فَقَالَ كَيْفَ تَجُذِّكَ قَالَ وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي أَرْجُو اللَّهَ وَإِنِّي أَخَافُ دُنُوبِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبِ عَبْدٍ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْطِنِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا يَرْجُو وَآمَنَهُ مِمَّا يَخَافُ»

(رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نزد جوانی که در بستر مرگ بسر می برد، رفت و پرسید: خود را در چه حالتی می بینی؟ گفت: ای پیامبر خدا ، به الله سوگند، من به رحمت های پروردگار امیدوارم و در عین حال، از گناھانم بیمناک هستم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: بیم و امید در چنین حالتی در دل هیچ مسلمانی جمع نمی شوند، مگر این که خداوند آنچه را که او امیدوار است به وی می دهد و از آنچه که بیم دارد، نجاتش می دهد.)

۳- با وجود مریضی سخت، برای مریض ، جایز نیست که آرزوی مرگ نماید. چنان که ام الفضل روایت می کند: «أَنَّ النَّبِيَّ دَخَلَ عَلَى الْعَبَّاسِ وَهُوَ يَشْتَكِي فَتَمَنَّى الْمَوْتَ فَقَالَ يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّ رَسُولُ اللَّهِ لَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتَ مُحْسِنًا تَزِدَادُ إِحْسَانًا إِلَى إِحْسَانِكَ خَيْرٌ لَكَ وَإِنْ كُنْتَ مُسِيئًا فَإِنْ تَوَخَّرَ تَسْتَعْتَبُ خَيْرٌ لَكَ فَلَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ»

(رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وارد خانه شد. عباس؛ کاکای پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم؛ که مریض بود، آرزوی مرگ کرد. رسول الله فرمود: کاکا جان! آرزوی مرگ نکن. زیرا، اگر نیکوکار باشی، با زنده ماندن، فرصت نیکی بیشتر می‌یابی و اگر بدکار باشی، با زنده ماندن، فرصت توبه از گناهان به تو می‌رسد و این برای توبه بهتر است. پس آرزوی مرگ مکن.

و در حدیث انس آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيَقُلْ اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي» (بخاری، مسلم، بیهقی و دیگران)

ترجمه: اگر کسی ناچار بود. چنین بگوید: پروردگارا! تا زمانی که زنده بودن برایم بهتر است، مرا زنده نگه دار، و هر وقت، مردن به نفع (دین و دنیای) من است، مرا بمیران.

۴- اگر حق کسی به عهده مریض است، آن را برگرداند و اگر برایش ممکن نبود، وصیت نماید. چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: قبل از مرگ و فرا رسیدن روزی که در آن، پول و ثروت پذیرفته نمی‌شود، حق مردم را بپردازید. در غیر اینصورت، اعمال نیک انسان به طلبکاران داده می‌شود. اگر کفایت نکند، اعمال بد طلبکاران، بر دوش او نهاده می‌شود.

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از صحابه پرسید:

«أَتَدْرُونَ مَا الْمَفْلَسُ قَالُوا الْمَفْلَسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ فَقَالَ إِنَّ الْمَفْلَسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي قَدْ سَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا وَسَفَكَ دَمَ هَذَا وَضَرَبَ هَذَا فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَى مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ» (آیا می‌دانید مفلس کیست؟ عرض کردند: نزد ما مفلس کسی است که پول و ثروتی نداشته باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: همانا مفلس امت من کسی است که روز قیامت، در حالی می‌آید که نماز، روزه، حج و زکات به همراه دارد ولی به یکی ناسزا گفته، دیگری را تهمت زده، مال کسی را خورده و خون کسی را ریخته و دیگری را شلاق زده است. نیکی‌هایش به این و آن، داده می‌شود. اگر نیکی‌هایش قبل از بدهکاری‌ها به پایان رسد، گناهان افراد طلبکار را به او می‌دهند و وی را به دوزخ می‌اندازند.

همچنین فرموده است:

«وَمَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ فَلَيْسَ بِالْدِّينَارِ وَلَا بِالْدِّرْهَمِ وَلَكِنَّهَا الْحَسَنَاتُ وَالسَّيِّئَاتُ» (هرکس در حالی بمیرد که مدیون است، باید بداند که آنجا، درهم و دینار پذیرفته نمی‌شود، بلکه آنجا معامله نیکی‌ها و بدی‌ها است.)

و همچنین می‌فرماید: دو نوع قرض وجود دارد: هر کس در حالی بمیرد که قصد ادای دین را هنگام قرض گرفتن داشته است، من (پیامبر) ولی او هستم و دینش را از بیت المال می‌پردازم ولی هر کس بمیرد در حالی که هنگام قرض گرفتن، قصد پرداخت آن را نکرده است، اعمال نیکش به طلبکاران داده می‌شود. چون در آن روز، دینار و درهم (پول) به کار نمی‌آید.

جابر بن عبدالله می‌گوید:

شب قبل از غزوه احد، پدرم مرا نزد خود خواست و گفت: من خودم را اولین کسی می‌بینم که از میان اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم کشته می‌شود و عزیزترین کسی که بعد از خود، باقی می‌گذارم، تو هستی. من مدیون هستم. قرض‌های مرا ادا کن. و با خواه‌رانت به خوبی رفتار کن. جابر می‌گوید: صبح روز بعد، مبارزه آغاز شد و پدرم نخستین کسی بود که به قتل رسید.

۵- مریض در وصیت خود نسبت به پرداخت حقوق دیگران تأخیر ننماید.

رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: « مَا حَقُّ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ يُّبَيِّتُ لَيْلَتَيْنِ وَلَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ » (هر کس که چیزی قابل وصیت دارد، باید وصیتش را بنویسد و همواره همراه خود داشته باشد و حق ندارد دو شب پیاپی، سپری کند در حالی که وصیتش آماده نباشد).

عبدالله بن عمر می‌گوید: «مَا مَرَّتْ عَلَى لَيْلَةٍ مُّذْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَلِكَ إِلَّا وَعِنْدِي وَصِيَّتِي» (از روزی که این حدیث را از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیده‌ام هیچ شبی را بدون وصیت، به صبح نرسانیده‌ام).
۶- مریض باید در حق خویشاوندانی که از او ارث نمی‌برند وصیت کند. چنان که خداوند می‌فرماید:
(إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۱۸۰) (البقرة: ۱۸۰).
(وقتی زمان موت یکی از شما فرا می‌رسد، در حق والدین و سایر خویشاوندان وصیت بکند، اگر چیزی باقی گذاشته است این حق است بر گردن پرهیزگاران).

۷- همچنین بیش از یک سوم ترکه را وصیت نکند، بلکه کمتر از یک سوم باشد. همانطور که سعد بن ابی وقاص می‌فرماید:

در سفر حجة الوداع با رسول الله صلى الله عليه وسلم بودم، چنان مریض شدم که احتمال مرگم بسیار زیاد بود. رسول الله صلى الله عليه وسلم برای عیادتم آمد.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! مال زیادی دارم. و وارثی جز یک دختر ندارم. آیا صحیح است که دو سوم مال خود را برای مستمندان وصیت کنم؟ رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: خیر. عرض کردم نصف آن؟ فرمود: خیر. عرض کردم یک سوم؟ فرمود: یک سوم خوب است ولی باز هم زیاد است. بعد فرمود: ای سعد! اگر تو وارثان و فرزندان را بعد از مرگ، بی‌نیاز بگذاری بهتر است از این که آنان را فقیر بگذاری تا نزد دیگران، دست‌گدائی دراز کنند و همچنین فرمود: ای سعد! هر لقمه‌ای که در راه خدا انفاق می‌کنی، در برابر آن، اجر خواهی برد. حتی لقمه‌ای که در دهان همسرت می‌گذاری. سعد می‌گوید: بعد از این بود که، وصیت به یک سوم مال، مباح و جایز دانسته می‌شد. (احمد و شیخین)

ابن عباس می‌فرماید:

«وَوَدِدْتُ أَنَّ النَّاسَ غَضُّوا مِنْ الثُّلُثِ إِلَى الرَّبْعِ فِي الْوَصِيَّةِ لِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ الثُّلُثُ كَثِيرٌ». (دوست دارم که مردم در وصیت، ثلث را به ربع تقلیل دهند، چون رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود، یک سوم زیاد است).

۸- مریض در وقت وصیت، دو نفر مرد عادل و مسلمان را بر وصیت تحریر شده خویش شاهد قرار بدهد، اگر دو مسلمان پیدا نشد، دو نفر غیر مسلمان را هم می‌تواند بحیث شاهد انتخاب نماید، همانطور که قرآن در آیت ۱۰۶ الی ۱۰۸ سوره مائده در مورد شهادت توصیه کرده است.

۹- وصیت برای والدین و سایر خویشاوندانی که از میت ارث می‌برند، به وسیله آیت میراث، منسوخ شده است و رسول الله صلى الله عليه وسلم در خطبه حجة الوداع به طور روشن و شفاف آن را توضیح داده و فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لَوَارِثٍ». (خداوند حق هر صاحب حق را داده است. اکنون وصیت برای کسی که از وصیت‌کننده، ارث می‌برد، جایز نیست).

توضیح:

باید دانست که ناسخ در واقع، قرآن است و حدیث، مبین این مطلب است. همانطور که از خطبه حجة الوداع بر می‌آید. خلاف آنچه که بسیاری می‌پندارند که ناسخ این حکم، حدیث است. از اینرو برخی از معاصرین روی آن خرده‌گیری نموده و گفته‌اند: حدیث، خبر واحد است و نمی‌تواند ناسخ قرآن باشد. هر چند که این تصور، باطل است. زیرا صحیح این است که خبر واحد می‌تواند ناسخ قرآن باشد. ولی اینجا ناسخ در واقع، آیه میراث است. فرضاً اگر بپذیریم که ناسخ،

حدیث است. حدیث واحد به اتفاق علماء صلاحیت ناسخ بودن را دارد. علاوه بر آن، حدیث متواتر است و متواتر بودن آن بر کسی که از اسناد و طرق حدیث آگاهی دارد، پنهان نیست.

۱۰- فراموش نباید کرد که: ضرر رساندین به دیگران، در وصیت نامه حرام است. مانند این که شخصی درباره محروم شدن بعضی از وارثان از ارث، وصیت کند. یا بعضی را نسبت به بعضی دیگر ترجیح دهد. پروردگار با عظمت ما می فرماید: «مَنْ بَعَدَ وَصِيَّةً يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَلِيمٌ» (سوره النساء: آیت ۱۲) (در وصیت، به کسی ضرر نرسانید، این توصیه خداوند است و خدا دانا و شکیبا است.) و رسول الله علیه وسلم می فرماید: «لا ضرر و لا ضرار، من ضار ضاره الله و من شاق، شاقه الله».

(ضرر رسانیدن به خود و دیگران درست نیست، هر کس در صدد ضرر رساندن باشد، خداوند باو ضرر می رساند و هر کس در صدد مشقت (دیگران) باشد، خداوند او را در مشقت می اندازد.)

۱۱- شرع اسلامی وصیت ظالمانه، نمی پذیرد و آن را باطل و مردود می شمارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ». (هر کس در دین ما بدعت و پدیده‌ای به وجود آورد، مردود است.)

و در حدیث عمران بن حصین آمده است: شخصی هنگام مریضی مرگ، شش غلام را که تمام ثروت او بودند آزاد کرد. وارثانش نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و شکایت کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (اگر می دانستم که چنین ستمی را مرتکب شده است، بر او نماز جنازه نمی خواندم). راوی می گوید:

آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم میان آن شش غلام، قرعه انداخت و دو نفر از آنان را که معادل یک سوم مال میت بود، آزاد کرد و چهار نفر دیگر را به حالت اول برگردانید.

۱۲- با توجه به این که اغلب مردم در این زمان مبتلا به بدعت‌های متعدد در امور دین و به خصوص در مسائل مربوط به جنازه و میت هستند. بر انسان مسلمان واجب است وصیت کند تا مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم تکفین و تجهیز شود.

خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجَارَةُ الْآخِ» (سوره التحريم: آیه ۶).

(ای مؤمنان! خود و فرزندان تان را از آتشی که مواد سوختی آن، انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، برهانید.)

به موجب آیت مذکور، اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم توصیه می کردند که آن‌ها را مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم تدفین کنند، در اینجا چند مورد از اینگونه توصیه‌ها را یادآور می شوم.

الف- عامر بن سعد بن ابی وقاص می گوید: پدرم هنگام مریضی مرگ، چنین وصیت کرد: «الْحُدُوءُ لِي لَحْدًا وَأَنْصِبُوا عَلَى اللَّيْنِ نَصَبًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ». (مرا در لحد بگذارید و با خشت خام، دهانه لحد را ببندید، همانطور که با جسد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتار شد).

ب- ابو برده می گوید: ابوموسی اشعری در مریضی وفات چنین وصیت کرد: «إِذَا انْطَلَقْتُمْ بِجَنَازَتِي فَأَسْرِعُوا الْمَشْيَ وَلَا تَبْنَعْنِي مُجَمَّرٌ وَلَا تَجْعَلُوا فِي لَحْدِي شَيْئًا يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ التُّرَابِ وَلَا تَجْعَلُوا عَلَى قَبْرِي بِنَاءً وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ حَالِقَةٍ أَوْ سَالِقَةٍ أَوْ خَارِقَةٍ قَالُوا أَوْ سَمِعْتَ فِيهِ شَيْئًا قَالَ نَعَمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ». (هرگاه جنازه ام را حمل کردید، به سرعت مرا به قبرستان ببرید. با جنازه من، بخور و آتش همراه نکنید. بر لحد من چیزی (مانند سنگ، آجر، شیشه) نگذارید که میان من و خاک مانع باشد. من در حضور شما خدا را گواه می گیرم که

من از هر نوحه خوان و کسی که به سر و صورت بزند و موهای خود را بکند، بیزارم. یعنی بعد از مردن من هیچ کس از افراد فامیلم حق ندارد دست به چنین اعمالی بزند. گفتند: در این مورد از پیامبر، چیزی شنیده‌ای؟ گفت: بلی. ج- حذیفه می‌گوید: هرگاه مرگ من فرا رسید، کسی را از مردن من با خبر نسازید. زیرا می‌ترسم خبر مرگ من باعث نعی شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را منع کرده است. با توجه به آنچه بیان گردید. امام نووی در باب اذکار می‌فرماید: مستحب است که شخص، وارثان خود را دربارهٔ اجتناب از بدعت‌های رایج در تدفین و تکفین توصیه کند و پرهیز از بدعات را مورد تأکید قرار دهد.

وصیت نامه باید چگونه نوشته شود :

خوانندهٔ محترم به عنوان یک شخص مسلمان نوشتن وصیت نامه و معطلی آن را به فردا، بسیار دیر و نا وقت می‌دانم، قرآن عظیم الشان می‌فرماید: « **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ** » تمامی موجودات چشنده مرگ اند، حیات ابدی و بقای ابدی به ذات اقدس باری تعالی می‌باشد. پس بر هر شخص عاقل با ایمان که این جهان را گذرگاهی به سوی جهان جاویدان می‌داند لازم است که پیوسته به فکر عالم پس از مرگ بوده و خود را برای سفر آخرت آماده سازد و با نوشتن وصیت نامه از وجایب و مکلفیت‌های که تا هنوز بر گردنش باقی مانده رفع مسئولیت نماید.

خواهر و برادر مسلمان !

پیشنهاد می‌نمایم که نقاط ذیل را در وصیت نامهٔ خویش در نظر بگیرید. نوشتن وصیت نامه بسیار ساده و آسانست حتی نیاز به جملات و اصطلاحاتی نامأنوس و یا سنگین حقوقی و عربی ندارد، اما تنها لازمست چند نکتهٔ لازم در وصیت نامه مراعات شود.

اول :

آسانترین روش تنظیم وصیت نامه، اینست که وصیت نامه، باید توسط دست نوشته شود، اگر وصیت نامه توسط خط و کتابت شما باشد، امضاء و تاریخ (روز و ماه و سال) را به صورت حتمی در آن درج نماید، در غیر آن اعتبار حقوقی آن زیر سؤال قرار می‌گیرد. ولی نباید فراموش کرد که وصیت نامه را می‌توان در دوایر حقوقی و محاکم هم نوشت و ثبت کرد.

در وصیت ضرور است که خود را معرفی نماید :

اسم، ولد، اسم پدر کلان، تاریخ تولد در صورت ممکن محل تولد.

مطابق شرع اسلام برای یک نفر وصیت گر لازم است که در بدو وصیت خویش تذکار دهد که شهادتش خاص برای پروردگار باشد.

در این وصیت نامه وصی می‌تواند هر نوع خواست‌های مشرع خویش برای کسانی که هدف و خواست متوفی است تحریر دارد.

در وصیت می‌تواند درمورد تقسیم اموال، صدقه، قرض از این که خواستار کفن و دفن و انجام واجبات قضا شده مانند روزه و نماز باشید. درج وصیت نامهٔ خویش سازد. (توجه باید کرد : کسی که وصیت نامه می‌نویسد، بازماندگان خویش را به کارهای شاق و دشوار، غیر ممکن و غیر شرعی مکلف نسازد).

نباید فراموش کرد که متوفی صرف می‌تواند، بر حصهٔ سوم مال خویش بعد از مرگ در کار خیرات و صدقات وصیت نماید و متوفی نمی‌تواند کسی را از مال میراث از مرگ خویش محروم سازد.

شخص می‌تواند در وصیت نامهٔ خویش اگر خواسته باشد، یک نفر وصی را برای اجرای وصیت نامهٔ خویش معرفی بدارد.

این وصیت نامه می تواند هم به طور علنی به سایرین قرائت گردد و یا هم بعد از مرگ خوانده شود . ولی فراموش نباید کرد ، دوباره تکرار می کنم که فردا برای نوشتن وصیت نامه دیر است .

حکم شرعی در مورد وصیت نامه شرعی همین است طوری که قبلاً یاد آور شدیم ، که اگر کسی می خواهد در مواردی، از جمله امور مالی وصیت کند باید قبل از فرا رسیدن مرگ خویش بر آن وصیت کند، بر وصیت نامه شاهد بگیرد و آن را قانونی کند.

وصیت بر دو نوع است:

۱- وصیت واجب

۲- وصیت مستحب

اول: وصیت واجب:

وصیت واجب عبارت از وصیت به آنچه که قرضدار است و آنچه که طلبکار است و وصیت به امانات که نزد او گذاشته شده اند.

وصیت به معاملاتی که نیمه کاره مانده اند و تعیین مبالغ و قیمت ها؛ وصیت به این امور واجب است تا حقی از فردی ضایع نشود و ذمه خودش فارغ شود و وارثانش بعد از مرگ او با هم در مشکلات و پرابلم باقی نمانند ، رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ می فرماید : « مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ » بخاری (۲۷۳۸) مسلم (۱۶۲۷)

(برای مسلمانی که مالی دارد و باید درباره آن وصیت کند، جایز نیست که دوشب بر او بگذرد بدون این که وصیتش را نوشته باشد.)

دوم: وصیت مستحب :

وصیت مستحب مربوط به اموری است که شخص می خواهد خیرات و صدقات نفلی انجام دهد مانند وصیت به ثلث مال یا کمتر از آن برای یکی از خویشاوندان و یا دیگران و یا وصیت می کند که مقداری از مال و ثروت او را به فقراء و مساکین بدهند و یا در کارهای خیر و عام المنفعه خرج کنند. مانند: بنای مساجد و ... رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ می فرماید :

« إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَاكُمْ عِنْدَ وَفَاتِكُمْ ثُلُثَ أَمْوَالِكُمْ زِيَادَةً فِي أَعْمَالِكُمْ ». مجمع الزوائد (۲۱۲/۴) (پروردگار، هنگام وفات شما در مورد یک سوم اموالتان به شما اختیار داده است تا از این طریق اعمال خیر شما بیشتر شود.) هیشمی در مجمع الزوائد (۲۱۲/۴) گوید: «رواه الطبرانی (در « المعجم الكبير » ۱۹۸/۴ (۴۱۲۹) و اسناد حسن» و أخرج امام احمد فی مسنده (احمد ۶-۴) نحوه عن ابی الدرداء .

سعد بن ابی وقاص رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گوید:

من در مکه بودم، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دیدنم آمد و در حالی که او دوست نداشت در سرزمینی بمیرد که از آن هجرت نموده است، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: « يَرْحَمُ اللَّهُ ابْنَ عَفْرَاءَ » (الله تعالی ابن عفرآ را مورد رحمت خویش قرار دهد،) گفتیم: یا رسول الله! آیا می توانم تمام مالم را وصیت کنم؟ پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خیر، گفتیم: نصف چطور؟ گفت: خیر، گفتیم: یک سوم چطور؟ رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

« الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ، إِنَّكَ أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ، خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدْعَهُمْ عَالَةً، يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أُنْدِيهِمْ » «بله می توانید به یک سوم مالتان وصیت کنید در حالی که یک سوم بسیار است، اگر تو ورثه خود را در حالی وداع نمائی که اغنیا باشند بهتر از آن است که آنها را در حالی وداع کنی که فقیر و بینوا باشند و بر اثر فقر و بینوائی به سوی مردم دست دراز کنند و سؤال کنند» ، لفظ این حدیث در بخاری است.

در بخاری در جائی دیگر با این الفاظ روایت شده است، سعد ابن ابی وقاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گوید: به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرض نمودم، یا رسول الله می خواهم وصیت کنم؛ در حالی که دختری دارم، گفتیم: یا رسول الله! آیا به نصف مال و وصیت کنم؟ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «النَّصْفُ كَثِيرٌ» «نصف زیاد است»، گفتیم: آیا یک سوم مال را وصیت کنم؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ، أَوْ كَبِيرٌ» «بله به یک سوم وصیت کن در حالی که یک سوم بسیار است؛ یا فرمود: یک سوم زیاد است» سعد بن ابی وقاص رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می فرماید: مردم به یک سوم مال خود وصیت می نمودند و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به آنها اجازه می داد.

طریقه نوشتن وصیت نامه :

بسم الله الرحمن الرحيم :

اینجانب () ابن یا بنت () ابن () دارای تذکره/ پاسپورت/ شماره () یکجا با محل و تاریخ صدور آن () درحالی که عاقل بالغ و دارای حواس کامل بوده و به حقوق شرعی خود و اقارب خویش کاملاً آگاهی دارم به رضا و رغبت خویش بدون جبر و اکراه وصیت می کنم و شهادت می دهم :

« لا اله الا الله وحده لا شریک له و أن محمداً عبده و رسوله، عیسی عبد الله و رسوله و کلمته ألقاها إلى مريم و روح منه، و إن الجنة حق، و النار حق، و إن الساعة آتیة لا ریب فیها و أن الله یبعث من فی القبور، تمام بستگانم را وصیت می کنم به تقوای الهی و داشتن روابط حسنه و صلح و صفا و اصلاح اخلاق و تزکیه نفس و اطاعت و فرمان برداری از الله تعالی و پیامبر بزرگوارش»

به همه خویشاوندان و فرزندان و بستگان وصیت می کنم که بر مسیر حق حرکت کنند و در پیمودن راه حق صبور و بردبار باشند، به آنان همان وصیت ابراهیم و یعقوب علیهما السلام که بر فرزندان نشان نمودند، توصیه می کنم: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (سوره بقره: آیت ۱۳۲) (الله تعالی این آئین پاک را برای شما برگزیده است، زنده باشید که بمیرید و مسلمان نباشید).

پس از متن فوق، شخص وصیت کننده آنچه را که دوست دارد بنویسد.

می تواند یک سوم مال یا کمتر از آن را در مصارف شرعی وصیت کند و می تواند مال معینی را نیز وصیت کند؛ البته باید نوع مصرف شرعی را معین کند (مثلاً این مبلغ را به مسجد و یا فلان خانواده یتیم و یا به ... اختصاص می دهم)، و شخصی را به عنوان وکیل برای اجرای وصیت معین نماید، باید دانست که وصیت، واجب نیست؛ بلکه نوشتن وصیت عمل مستحب می باشد و چون خواست می تواند وصیت کند.

در بخاری و مسلم از ابن عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است، که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ» (برای مسلمانی که مالی دارد و باید درباره آن وصیت کند، جایز نیست که دو شب بر او بگذرد بدون این که وصیتش را ننوشته باشد). (بخاری (۲۷۳۸) مسلم (۱۶۲۷))

در صورتی وصیت واجب است که شخصی قرضدار باشد و طلبکاران مدرک و یا سندی در دست نداشته باشند که حق خود را ثابت کنند، برای چنین شخصی واجب است که وصیت نامه خود را بنویسد و حقوقی را که دیگران طلبکار هستند بنویسد تا بر اثر مرگ ایشان حقوق اینها ضایع نشود. بهتر آن است که دو شاهد هنگام تحریر وصیت نامه حاضر

باشند، با این که وصیت نامه توسط شخصی از اهل علم و معتمد نوشته شود تا متولیان امر دچار سرگردانی نشوند؛ وصیت کننده تنها با نوشتن کتبی با دست خط خودش اکتفاء نکند. (شیخ ابن باز عالم جلیل القدر جهان اسلام در بخش وصیت تحقیقات بی نهایت مفید دینی به عمل آورده که مزید معلومات را می توان در مجموع فتاوی و مقالات متنوعه (۷۶،۷۷/۲۰) مطالعه فرماید .)

یادداشت :

دروصیت می توان ، محل دفن ، تجهیز ، مسأله نیات حج مقدار صدقه ، زکوة، مهریه زوجه، و حتی قیمومیت اطفال صغیره وسایر مطالبات ضروری خویش را درج وصیتنامه خویش ساخت .

در اخیر وصیت نامه :

ذکر تاریخی که وصیت نامه تحریر گردیده است با ذکر تاریخ و نشان شصت انگشت و اسماء شهود بر وصیت نامه را نیز درج نماید .

شهود حاضر در صورت وصیت عرفی

تاریخ - محل شصت و امضاء با ذکر نام از ضروریات عمده یک وصیت نامه می باشد . **پایان**

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و

مسئول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی